

سماوه و دیوانیه گذشتیم و روز دوازدهم همان ماه وارد نجف اشرف شدیم. شهید محراب در نجف مستقر شد، و من به بغداد رفتم. از آن پس هفته‌ای یک بار در چارچوب جلسات شورای مرکزی مجلس اعلا که در نجف برگزار می‌شد، با همدیگر ملاقات می‌کردیم. روابط سیاسی شهید محراب با کشورهای جهان چگونه بود؟

شهید محراب آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم، در سطح محلی و منطقه‌ای و بین‌المللی، یک شخصیت سیاسی ممتاز بود. در چند سفر خارجی به ویژه در دیدار از کویت او را همراهی کردم. ایشان سالی یکبار در ماه مبارک رمضان به کویت می‌رفت، و ده روز در آنجا اقامت می‌کرد. در سال ۱۹۹۵ نیز به هنگام مسافرت به لندن در خدمت ایشان بودم. دلایل و نشانه‌های سیاسی، دینی، معنوی و اجتماعی همه این سفرها به کشورهایی که از آنها بازدید می‌کرد، و با مهاجران عراقی به گفت‌وگو می‌نشست کاملاً آشکار بود.

به سفر ایشان به لندن و ملاقات با شخصیت‌های گوناگون اشاره کردید. از این سفر چه خاطره‌ای دارید؟

شهید محراب در جریان دیدار از لندن با تعدادی از اعضای پارلمان انگلیس ملاقات و گفت‌وگو کرد. چهار تن از وزیران کابینه انگلیس نیز تقاضا کردند با آیت‌الله حکیم دیدار داشته باشند ولی، ایشان چون معتقد بود، موضع دولت‌های غربی نسبت به ملت عراق مثبت نبوده، و به طور شایسته از مظلومیت ملت عراق در برابر جنایات رژیم صدام دفاع نمی‌کنند، و از رژیم صدام پشتیبانی به عمل می‌آورند، تقاضای ملاقات را رد کرد. آیت‌الله حکیم در لندن با گروه‌های اپوزوسیون عراقی

رفتار ایشان با همه گروه‌ها و سازمان‌های مبارز عراقی، پدران و برادرانه بود. همواره می‌کوشید صفوف ملت را یکپارچه و متحد کند. اصولاً هدف از تأسیس مجلس اعلا، انقلاب اسلامی عراق وحدت بخشیدن به همه جریانات اسلامی عراق بود.

شهید محراب آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم در مجلس اعلا و سخنگوی رسمی او بودم. همچنین من در رأس اولین گروهی بودم که در پادگان توحید دوره نظامی دیدم. این پادگان توسط شهید آیت‌الله حکیم به منظور مبارزه با رژیم جنایتکار صدام دایر شده بود.

از نظر اخلاقی شهید آیت‌الله حکیم را چگونه یافتید؟

در حقیقت او دارای صفات اخلاقی عالی بود. احساس پدری و برادری در ذهن ما به وجود می‌آورد. هرگاه با او در تهران ملاقات می‌کردم، اصرار داشت مرا بدرقه کند. هنگامی که در سال‌های (۱۹۹۲ تا ۲۰۰۳) در لندن به سر می‌بردم همواره مرا به توکل به خدا و اعتماد به نفس و اطمینان به پیروزی سفارش می‌کرد. بهترین خاطره من با شهید محراب هنگامی بود که تصمیم گرفت به عراق بازگردد که من هم ایشان را از تهران تا اهواز و سپس تا بصره همراهی کردم. روز دهم ماه مه سال ۲۰۰۳ وارد بصره شدیم. سپس از شهرهای ناصریه و

از چه زمانی با سیدمحمدباقر حکیم آشنا شدید؟ از هنگامی که دانش‌آموز دوره دبیرستان در منطقه الکراده الشریقه در بغداد بودم و در دسته‌های عزاداری مخصوص دانشجویان و دانش‌آموزان آن منطقه شرکت می‌کردم. او آن زمان همواره در حال رفت و آمد به منطقه الکراده بود. زیرا، موضوع علوم قرآن را به مدت ده سال در دانشکده اصول‌الدین بغداد تدریس می‌کرد. همچنین برادر ایشان سیدمحمد مهدی حکیم، امام جماعت حسینی و مسجد التیمی در منطقه الکراده الشریقه بود. آن دو از هیئت‌های عزاداری دانشجویان و جوانان استقبال و گاهی اوقات نیز برای جوانان سخنرانی می‌کردند. رابطه ما با شهید محراب آیت‌الله حکیم از آن زمان آغاز شد. همچنین از خلال حضور در مساجد و حسینیه‌های الکراده الشریقه با برخی از علما مانند مرحوم علامه سیدمرتضی عسکری و شهید شیخ عارف البصری و دیگران آشنا شدم.

در سنین نوجوانی از مرجع دینی بزرگ تقلید امام سیدمحسن حکیم (ره) تقلید می‌نمودم، و بر این اساس روابط من با خاندان آیت‌الله حکیم گسترش یافت. اما، جهاد و پیکار مشترک، عامل اصلی پیوند ما بود. آن هم پس از خروج شهید محراب از عراق در سال ۱۹۸۰، و ملاقات با ایشان در سوریه. پس از آن‌که برای همکاری با ایشان راهی ایران شدم. پیش از تأسیس مجلس اعلا، انقلاب اسلامی عراق در تهران، در نهادهای گوناگون که پس از هجرت ایشان به ایران شکل گرفتند، با ایشان همکاری داشتم. برخی از این نهادها عبارتند از «جماعت علمای مجاهد عراق» و «دفتر انقلاب اسلامی عراق» و «مجلس اعلا، انقلاب اسلامی عراق». در نخستین دوره مجلس، مسئولیت دفتر

او شخصیت ممتاز سیاسی و نمونه اخلاق و جامع صفات نیکو بود...

گفت‌وگو با دکتر حامد البیاتی

رئیس پیشین دفتر مجلس اعلا، انقلاب اسلامی عراق در لندن و نماینده کنونی عراق در سازمان ملل متحد

حامد البیاتی نماینده کنونی عراق در سازمان ملل متحد در دوران حکومت حزب بعث ریاست دفتر مجلس اعلا، انقلاب اسلامی عراق در لندن را برعهده داشت و با این مسئولیت می‌کوشید تا با محافل و مجامع بین‌المللی از جمله دولت آمریکا ارتباط برقرار کند و ایجاد تراژدی ملت عراق را برای آنان شرح دهد. وی در این گفت‌وگو به گوشه‌ای از این تلاش‌ها و تعامل همه‌جانبه‌ای که شهید محراب در سایه و یزگی‌ها و درایت و تدبیر خود با مجامع بین‌المللی و سران کشورها داشت به اختصار اشاره می‌کند و می‌گوید...

درآمد





انقلاب اسلامی عراق را به آگاهی آنان می‌رساندم. در این بازدیدها با مسائل و مشکلات مهاجران عراقی آشنا می‌شدم، و آن را برای رسیدگی به آیت‌الله حکیم رئیس مجلس اعلا گزارش می‌کردم. او بسیار علاقه‌مند بود با مهاجران عراقی در تبعید ارتباط داشته‌باشد، و به همین دلیل پیام‌ها و نامه‌های بسیاری از آنان را دریافت می‌کرد و پاسخ آنان را هم کتبا می‌داد. چون مکاتبات میان آیت‌الله حکیم و مهاجرین عراقی در سرتاسر جهان افزایش یافت، ایشان به مسئولان مجلس اعلا دستور داد نشریه اختصاصی در این زمینه منتشر و میان مجامع و محافل عراقی و هواداران مجلس اعلا در کشورهای گوناگون توزیع گردد.

شما به عنوان یک سیاستمدار عراقی چرا یک تشکیلات سیاسی خاصی موازی مجلس اعلا تأسیس نکردید؟

من معتقدم که مجلس اعلا انقلاب اسلامی عراق بهترین تشکیلات اسلامی است که اپوزیسیون عراقی و تاریخ فعالیت‌های اسلامی تا کنون به خود دیده‌است. در همین حال شهید محراب آیت‌الله حکیم بهترین شخصیت دینی ممتازی بود که توانست مجلس را رهبری کند. از میان مخالفان عراقی کمتر کسی بود که شایستگی مدیریت و رهبری او را داشته‌باشد. اگر بگوییم که او از نوادر سیاستمداران و رهبران عراقی است، گزافه نگفته‌ایم. به همین دلیل به همکاری با ایشان در چارچوب مجلس اعلا در ۲۵ سال گذشته پایبند بودم. در این زمینه کتابی درباره شهید محراب آیت‌الله حکیم به عنوان «ربع قرن در کنار شهید محراب سیدمحمدباقر حکیم» نوشته‌ام و در آن خاطرات خود را درباره ابعاد شخصیت دینی و سیاسی و فکری ایشان آورده و نسبت به موضع‌گیری‌های سیاسی او اظهار نظر کردم. به هر حال می‌توان گفت مواضع و چهره سیاسی آیت‌الله حکیم در میان همه سیاستمداران صحنه سیاسی معاصر عراق شاخص و کم نظیر است.

مهم‌ترین موضع‌گیری‌های شهید حکیم کدامند؟

موضع آیت‌الله حکیم در برابر محاصره اقتصادی و تحریم عراق از سوی امریکا مهم‌ترین مواضع ایشان را تشکیل می‌دهد. در دوران حکومت حزب بعث برخی جریانات سیاسی عراق خواستار رفع بدون قید و شرط مجازات عراق شدند. در حالی که برخی دیگر بر ادامه تحریم‌ها تأکید کردند. دسته اول در جبهه امریکا ایستادند، و دسته دوم در جبهه صدام قرار گرفتند. اما، شهید محراب آیت‌الله حکیم موضع اصولی به خود گرفت، و اعلام کرد که محاصره و تحریم ملت عراق باید کاهش یابد. و در برابر آن باید مجازات رژیم عراق تنگ‌تر شود. اصولاً تحریم‌ها و مجازات‌ها بر ضد رژیم صدام وضع شده‌بود، و نه مردم ستمدیده عراق. در این زمینه آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم توصیه کرد که سازمان ملل متحد مسئولیت افزایش و توزیع مواد غذایی در بازار مصرف و توزیع دارو در بیمارستان‌ها را بر عهده بگیرد و دامنه تحریم‌های دیپلماتیک بر رژیم صدام گسترش یابد. چرا که طارق عزیز وزیر خارجه وقت عراق هر چند مدت یک‌بار از طریق امریکا به سازمان ملل راه می‌یافت، و به فرانسه و کشورهای اروپایی سفر می‌کرد. شهید محراب همچنین خواستار تحریم مستقیم رژیم صدام و طرد آن از سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و ممنوعیت فعالیت‌های دیپلماتیک آن رژیم شده بود. از دیگر مواضع اصولی آیت‌الله حکیم در دفاع از ملت

دانشگاه تحصیل می‌کنند. روابط شهید محراب آیت‌الله حکیم با سایر احزاب و جنبش‌های مبارز عراقی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ رفتار ایشان با همه گروه‌ها و سازمان‌های مبارز عراقی، پدران و برادرانه بود. همواره می‌کوشید صفوف ملت را یکپارچه و متحد کند. اصولاً هدف از تأسیس مجلس اعلا انقلاب اسلامی عراق وحدت بخشیدن به همه جریانات اسلامی عراق بود. او کوشید تلاش‌ها و مبارزات همه گروه‌ها و سازمان‌های معارض عراقی را صرف‌نظر از دیدگاه‌ها و طرز فکر سیاسی‌شان، منسجم و یکسان کند. به همین منظور با احزاب و گروه‌های مبارز کرد پیمان همکاری امضا کرد که تأثیر بسزایی بر روند جهاد و سرنگونی رژیم صدام داشت. افزون بر آن

پس از استقرار آیت‌الله حکیم در شهر نجف اشرف، یکی از برادران به او گفت که ما از این نگران هستیم که نکند شما را به قتل برسانند. آیت‌الله حکیم در پاسخ به برادران نگران گفت: یگانه آرزوی من شهادت است و دعا می‌کنم به شهادت نائل گردم.

همه گروه‌های سیاسی اسلامی، ملی قومی و چپ‌گرای عراقی برای او احترام قائل بودند. شهید محراب آیت‌الله حکیم تا چه اندازه نسبت به مهاجران عراقی مقیم کشورهای گوناگون توجه داشت؟ او همواره بر دیدار با مهاجران عراقی اصرار داشت. چند بار مرا مأمور کرد تا با مهاجران عراقی مقیم کشورهای گوناگون دیدار و به مشکلات آنان رسیدگی کنم. در چارچوب این مأموریت‌ها با مهاجران عراقی مقیم برخی کشورهای اروپا و امریکا دیدار کردم، و دروهای خالصانه آیت‌الله حکیم و مجلس اعلا

و علمای دین ملاقات کرد، و از مساجد اقلیت‌های مسلمان از جمله مسجد اقلیت خوجه‌های هندی و پاکستانی که شیعه اثنی‌عشری هستند، بازدید به عمل آورد. او همچنین از شهر منچستر مندریدس که انبوه مهاجرین عراقی در آن زندگی می‌کنند بازدید کرد. بسیاری از مجامع و محافل بین‌المللی برای آیت‌الله حکیم احترام خاص قائل بودند و حتی برخی از دولت‌ها از ایشان همانند یک رئیس جمهوری استقبال می‌کردند، دلایل آن چیست؟

در حقیقت شهید محراب آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم شخصیتی چند بعدی داشت. اگر خواسته‌باشیم از بعد دینی به او نگاه کنیم، او فرزند مرجع بزرگ تقلید شیعیان جهان آیت‌الله سیدمحسن حکیم بود که نقش ارزنده و بزرگی در شکوفایی حیات سیاسی شیعیان عراق و مسلمانان جهان داشت. افزون بر آن، شهید محراب خیلی زود و در سن جوانی به درجه اجتهاد نایل آمد. به هر حال او عالمی مجاهد، و اندیشمندی سیاستمدار به شمار می‌آمد، که از آگاهی سیاسی و دوراندیشی برخوردار بود، همه این ویژگی‌ها موجب شده‌بود که بسیاری از رهبران و سران جهان و کشورهای منطقه به او احترام بگذارند.

شهید حکیم یکی از پرچمداران تقریب بین مذاهب و مبارزه با هرگونه فرقه‌گرایی میان مسلمانان بود. چنانچه امکان دارد برخی از دستاوردهای تلاش ایشان را در این زمینه بازگو نمایید؟

در بیشتر همایش‌های مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی که در تهران برگزار می‌شد شرکت کردم. و از نزدیک نقش‌های وصف‌ناپذیر شهید محراب آیت‌الله حکیم در این همایش‌های فکری و مذهبی را ملاحظه می‌کردم. تعداد زیادی از علمای مذاهب گوناگون جهان اسلام به این کنفرانس‌ها دعوت می‌شدند، و مسایل وحدت‌بخش و برادری اسلامی را مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌دادند. شهید آیت‌الله حکیم همچنین در تأسیس اولین دانشگاه اسلامی به منظور تدریس فقه مذاهب اسلامی از جمله فقه مذاهب برادران اهل سنت و فقه اهل بیت (ع) سهم بسزایی داشت. هم اکنون صدها دانشجو از کشورهای جهان اسلام در این

به شدت نگران بودیم. چرا که بسیاری از جنایت‌کاران باقی‌مانده رژیم سابق میان مردم پراکنده شده‌بودند، و آگاه بودیم که سلاح‌های فراوانی در خیابان‌ها و جاده‌ها خرید و فروش می‌شود. اما، به حول و قوه الهی به سلامت به شهر نجف رسیدیم و خواست و اراده خدا بالاتر از همه است.

به یسار دارم، پس از استقرار آیت‌الله حکیم در شهر نجف‌اشرف، یکی از برادران به او گفت که ما از این نگران هستیم که نکنند شما را به قتل برسانند. آیت‌الله حکیم در پاسخ به برادران نگران گفت: خداوند متعال تا بحال همه دعا‌های مرا استجاب کرده است. چون از خدا خواستم رژیم صدام سقوط کند، سقوط کرد. از خدا خواستم به عراق برگردم، و این دعا مستجاب شد. آنگاه از خدا خواستم که توفیق زیارت مرقد امیرمؤمنان علی‌ابن ابیطالب(ع) و مرقد امام حسین(ع) را به من بدهد و این دعا را نیز اجابت کرد. اکنون یگانه آرزوی من شهادت در راه اوست، و دعا می‌کنم به شهادت نائل گردم و دعایم مستجاب گردد. همان‌گونه که ملاحظه کردید خداوند ایشان را برگزید، و با روحی مطمئن و راضی و مرضی به سوی آفریدگار خود شتافت، پس سلام و درود خدا بر او، روزی که متولد شد و روزی که شهید گشت و روزی که برانگیخته می‌شود.

دیدار آیت‌الله حکیم با مردم عراق چگونه بود و به آنان چه می‌گفت؟

سخنرانی‌ها و خطابه‌های آیت‌الله حکیم با مردم عراق حساب‌شده بود. در واقع با این سخنرانی‌ها مردم را از طرح‌ها و برنامه‌ها و دیدگاه‌های خود در مسائل دینی، فکری، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آگاه می‌کرد. چنانچه این مجموعه سخنرانی‌ها را با دقت بازبینی کنید، ملاحظه خواهید کرد که دیدگاه‌ها و طرح‌های سیاسی و علمی خود را برای اداره کشور و ملت عراق بیان می‌کرده است. مواضع خود را درباره نیروهای اشغالگر و آینده عراق مشخص کرده است. در عین حال تحت تاثیر عاطفه و احساسات جوشان مردم قرار می‌گرفته، و در بیشتر اوقات گریه می‌کرده است. من هرگز چنین صحنه‌هایی را در طول زندگی خود ندیده‌ام. توده مردم ساعات زیادی زیر خورشید تابان منتظر آمدن او می‌شدند، تا به سخنانش گوش دهند.

چه خاطرات جالبی از سابقه همراهی تان با ایشان به یاد داری؟

خاطرات شنیدنی و جالب بسیاری در ذهن دارم، که قابل شمارش نیستند. آیت‌الله حکیم روزی خاطرات دوران زندان را برای من بازگو کرده و گفت: پس از اینکه آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر صدر مرا به عنوان نماینده خود در مراسم عزاداری اربعین سال ۱۹۷۷ برگزید، در پی این مراسم قیام همگانی ماه صفر روی داد، من دستگیر و شکنجه و به حبس ابد محکوم شدم. برخی زندان‌بانان با من خوش‌رفتاری داشتند و برخی بدرفتاری می‌کردند. از خدا می‌خواستم تا مرا از دست زندان‌بانان بد رفتار نجات دهد. و دیری نپایید که معجزه‌آسا زندان‌بانانی که مرا مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند به مجازات رسیدند. ■

موضع آیت‌الله حکیم در برابر محاصره اقتصادی و تحریم عراق از سوی امریکا مهم‌ترین مواضع ایشان را تشکیل می‌دهد. در دوران حکومت حزب بعث برخی جریانات سیاسی عراق خواستار رفع بدون قید و شرط مجازات عراق شدند. در حالی که برخی دیگر بر ادامه تحریم‌ها تأکید کردند.

برای دفاع از جان ایشان مسلح شوند. زیرا، عملاً نگران جان ایشان بودیم.

هنگامی که وارد خاک عراق شدیم، صدها تن از مردم شهرها و روستاهایی که از آنها عبور می‌کردیم به استقبال آقای حکیم می‌آمدند. زن و مرد پیر و جوان، کوچک و بزرگ و حتی، دانش‌آموزان به استقبال آمده و برای ایشان شعار سر دادند، به طور خلاصه استقبال میلیونی و ملی بی‌نظیری به راه افتاد، که هرگز چنین استقبالی از هیچ یک از رهبران سیاسی که پس از سقوط صدام وارد خاک عراق شدند، به عمل نیامد. همچنین هنگامی که آیت‌الله حکیم به شهادت رسید، توده‌های میلیونی ملت عراق در مراسم تشییع و خاکسپاری ایشان شرکت کردند. در حقیقت چنین تشییع و تظاهراتی خود جوش و بی‌نظیر در عراق بی سابقه بود.

ناگفته نماند که دلیل پافشاری من برای همراهی ایشان در بازگشت به عراق نگرانی و ترسی بود که به خاطر در خطر افتادن جان ایشان داشتم. زیرا، امکان یورش به کاروان ایشان از قبل پیشبینی شده بود.

البته کاروان بازگشت آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم در مقایسه با کاروان سایر سیاستمداران و مسئولان عراقی که این روزها میان شهرها و مناطق گوناگون عراق تردد می‌کنند بسیار ساده است. امریکایی‌ها هنگام ورود آیت‌الله حکیم به خاک عراق اجازه ندادند خودروهای بیشتری همراه او به عراق انتقال داده شود. تعداد سلاح‌های سبک که همراه داشتیم اندک بود. اما، به هر حال به خدا توکل کردیم و پس از رسیدن به نجف‌اشرف احساس آرامش کردیم، زیرا، در مسیر راه از مرز ایران تا شهر نجف که سه شبانه‌روز طول کشید،

عراق این است که برخی از جریانات سیاسی، ملت عراق را غیر انقلابی و سازش‌کار و ذلت‌پذیر و ترسو توصیف کردند. این جریانات ادعا می‌کردند تنها احزاب سیاسی و نخبگان روشنفکر می‌توانند ملت عراق را آزاد کنند. ولی، شهید محراب آیت‌الله حکیم این اتهامات را باطل دانسته، و تأکید کرد که ملت عراق زنده و پویا و انقلابی است. او به طرفداران این نظریه توصیه کرد برای شناخت مردم عراق به ادبیات تاریخی و آرشئو روزنامه‌ها و مجلات و کتابخانه‌ها رجوع نمایند. آیت‌الله حکیم همواره تأکید می‌کرد که ملت عراق روزی قیام خواهد کرد، و به انقلاب دست خواهد زد. سرانجام انتفاضه بزرگی در سال ۱۹۹۱ روی داد و رژیم جنایتکار صدام در آستانه فروپاشی و سرنگونی قرار گرفت اما، دولت‌های غربی اراده کردند که رژیم حزب بعث در قدرت باقی بماند.

موضع اصولی دیگر آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم این است که برخی از گروه‌ها و جریانات سیاسی شناخته‌شده عراق از طرح حمله امریکا به عراق برای سرنگونی صدام پشتیبانی نموده، و گروه‌های دیگری با اصل جنگ مخالفت کردند. در این میان شهید حکیم بر این باور بود که صدام باید از طریق فشارهای سیاسی بین‌المللی و محکومیت او در سازمان ملل متحد سرنگون شود و نه با توسل به جنگ همه‌جانبه. آن گونه که اسلوبودان میلو سوویچ رئیس جمهوری پیشین یوگوسلاوی سابق سرنگون شد. و یا بوسنیه پشتیبانی همه‌جانبه محافل بین‌المللی از گروه‌های اسلامی و ملی مخالف و ارتش عراق.

به هر حال مواضع آیت‌الله حکیم با سایر رهبران سیاستمداران عراقی تفاوت چشمگیر داشت. او ضمن دوراندیشی و دورنگری، هرگز در برابر اصول و ارزش‌های دینی و ملی انعطاف نشان نمی‌داد. اما، در مورد همکاری با امریکا، باید گفت زمانی که بسیاری از نمایندگان گروه‌های سیاسی اسلامی تا پیش از جنگ، هرگونه همکاری و گفت‌وگو با امریکا را رد می‌کردند، شهید حکیم زود هنگام به نمایندگان مجلس اعلا دستور داد با نمایندگان دولت امریکا وارد مذاکره شوند، اما، او هرگز به طور مستقیم با مقام‌های امریکایی دیدار و ملاقات نکرد. من به عنوان نماینده مجلس اعلا در انگلیس با مقامات امریکا در واشنگتن، لندن، ترکیه و کویت دیدار و گفت‌وگو می‌کردم، و ابعاد قضیه عراق را برای آنان شرح می‌دادم، و می‌گوشیدم پشتیبانی سیاسی و تبلیغاتی و معنوی دولت امریکا را از اپوزیسیون و ملت عراق در برابر رژیم صدام به دست بیاورم.

شما که شهید حکیم را در بازگشت به عراق همراهی کردید این بازگشت را در سایه اوضاع دشوار امنیتی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من یکی از کسانی بودم که بازگشت آیت‌الله حکیم به عراق را نگران‌کننده می‌دانستم هنگامی که از من خواست او را همراهی کنم، برای دفاع از جان ایشان تقاضای اسلحه کردم. اما، برادران حفاظت این تقاضا را رد کرده و به من گفتند که شما یک فرد سیاسی هستید و نه نظامی! ولی، به آنها یادآور شدم که بایستی همه همراهان آیت‌الله حکیم

